گزارش

چرا با وجود ارزش‌آفرینی، پلتفرم‌های اقتصاد دیجیتال در مصوبات این‌همه محدود می‌شوند؟

حمایت در شعار و برنامه محدودیت و فشار در عمل

محمد باقرزاده، روزنامه‌نگار: تجربه دو جنگ تمام‌عیار در کمتر از یک سال، هزارویک اثر بر زندگی و زمانه ما دارد که بدیهی است، اما بی‌شک یکی از مهم‌ترین آثار چنین شرایطی، لحاظ‌کردن همین دو جنگ در صدر هر بررسی و تحلیل است. به‌عبارتی ساده‌تر، حالا دیگر نمی‌توان درباره موضوع یا حوزه‌ای مقاله نوشت بی‌آنکه اثر این جنگ‌ها را در آن لحاظ نکرد. یک مثال برجسته و آشکار دراین‌باره، اقتصاد دیجیتال یا در حالتی محدودتر، پلتفرم‌های مرتبط با طلاست. چرا طلا مثال خوبی است؟ مفهومی کمی مغفول‌مانده، تعریفی از اقتصاد دیجیتال است که محور و دال مرکزی آن، مردم هستند؛ اینکه اقتصاد دیجیتال بیش و پیش از آنکه درباره اقتصاد و فناوری باشد، درباره دغدغه مردم، سبک زندگی سرمایه‌گذارانه و کیفیت زندگی انسان‌هاست. اگر این نگاه را بپذیریم و معیار را سبک زندگی و شیوه سرمایه‌گذاری مردم ایران قرار دهیم، چه مثالی مهم‌تر از طلا و چه شیوه‌ای برای سرمایه‌گذاری فراتر و پراقبال‌تر از طلای آنلاین؟ درست است که در سندهای توسعه و برنامه‌های بالادستی مثل برنامه هفتم، تأکید فراوانی بر نقش اقتصاد دیجیتال شده (و براساس آن باید سهم اقتصاد دیجیتال از تولید ناخالص داخلی از حدود ۷.۵ تا هشت درصد فعلی به ۱۰ تا ۱۵ درصد برسد)، اما مهم‌تر از همه این برنامه‌ها، ضرورت زندگی مردم ایران است.

مردم ایران در کمتر از یک سال دو جنگ تمام‌عیار را تجربه کرده‌اند، شاید بارها مرگ را در یک‌قدمی خود دیده‌اند و تورم بی‌سابقه این چندماه هم فشار مضاعفی بر زندگی آنها وارد کرده است. در چنین شرایطی، بسیاری شغل و حتی منبع درآمد خود را از دست دادند و برخی هم تلاش کردند در ادامه روند چند سال گذشته، با سرمایه‌گذاری در طلا، حداقل دارایی خود را از گزند این همه آسیب حفظ کنند؛ همین مردم تجربه ریزش بورس و بحران صندوق‌های قرض‌الحسنه و... را در خاطر دارند که البته رشد انس جهانی طلا در چند سال گذشته هم مزید بر همه این علل شد. مثلا یکی از همین پلتفرم‌های خرید و فروش طلای آب‌شده یعنی «طلاین» در گزارش عملکرد سال ۱۴۰۳ خود نوشته بود که تعداد کاربرانش ۲۴ برابر بیشتر از سال قبل شد؛ رشدی که مربوط به سال ۱۴۰۳ و پیش از این شرایط جنگی است. مثال دیگر گفته مدیران یکی دیگر از همین پلتفرم‌هاست که گفته بود «۹۰ درصد کاربران پلتفرم‌های طلا، کمتر از یک گرم سرمایه دارند». مثال‌هایی که به‌خوبی، نقش مردم در این شکل از اقتصاد دیجیتال و اهمیت پلتفرم‌های خریدوفروش طلا در سبک زندگی سرمایه‌گذارانه مردم ایران را نشان می‌دهد. به مثال‌های بالا می‌توان ده‌ها مورد دیگر را هم اضافه کرد اما بحث آشکار و مقصود حاصل شده است؛ درست که دولت کنونی و معاونت علمی آن، وزرای اقتصاد، ارتباطات و همچنین ریاست بانک مرکزی بر طبل حمایت از اقتصاد دیجیتال می‌کوبند و آن را پیشران توسعه اقتصادی تعریف می‌کنند، اما نکته مهم، ضرورت زندگی مردم است که عجین‌شدن آن با سرمایه‌گذاری فناورانه (به‌ویژه در حوزه طلا) انکارناپذیر است. با همه این دلایل و حجت‌های آشکار، چرا نه‌تنها شاهد حمایتی در این زمینه نیستیم که روزبه‌روز فشار و محدودیت‌ها هم افزایش می‌یابد؟ مسئله دیگر این روزهای پلتفرم‌ها، بحث‌ها درباره بازار پیشرفته خریدوفروش طلای آنلاین است. موضوع بازهم مرتبط با خواست و منافع کاربران است (گویا دست‌کم ۱۰ تا ۱۲ میلیون ایرانی از پلتفرم‌های طلای آنلاین استفاده می‌کنند که با کمی اغماض می‌توان گفت به‌طور متوسط هر خانواده ایرانی یک نماینده در این بازار دارد). توصیف ساده بازار پیشرفته، فراهم‌آوردن امکان خریدوفروش لحظه‌ای طلا با قیمت مناسب برای کاربران است که البته کاربر طلای خود را به پلتفرم می‌فروشد یا از آن می‌خرد اما معیار قیمت، خواست و تصمیم کاربران است. حالا همین فضای مفید برای کاربران به بهانه شباهت با کار بورس و کسب مجوز مرتبط، با محدودیت‌هایی روبه‌رو است. برای جمع‌بندی به همان برنامه هفتم توسعه برگردیم؛ فصل ۱۳ این قانون از ضرورت مقررات‌زدایی در حوزه اقتصاد دیجیتال و تسهیل فضای کسب‌وکار می‌گوید و پیشنهاد تشکیل کارگروه تخصصی برای رسیدن به چنین اهدافی را می‌دهد. واقعا این‌همه محدودیت کجا و آن قوانین کجا؟ علاوه‌براین، در چین شرایطی که طلا پناهگاهی امن برای حداقل سرمایه مردم و به‌ویژه طبقه متوسط و اقشار کم‌درآمد شده و دست‌کم این سرمایه را از گزند تورم سه‌رقمی حفظ می‌کند، این محدودیت‌ها بی‌توجهی به خواست و هدف مردم نیست؟

خبر

نماینده مجلس: رسوب ۹۴ میلیارد یورو نزد تراستی‌ها بودار است

عضو کمیسیون انرژی مجلس درباره این موضوع که اخیرا رئیس سازمان بازرسی کل کشور اعلام کرده ۹۴ میلیارد یورو از تعهد ارزی رفع نشده و در دست تراستی‌ها باقی مانده است، عنوان کرد: قطعا نظراتی که از سوی ریاست سازمان بازرسی کشور یا معاونان و حتی کارشناسان این سازمان اعلام می‌شود، نظرات کارشناسی‌شده، بسیار دقیق و منطبق با واقعیت است. به گزارش ایلنا، غلامرضا دهقان ناصرآبادی بیان کرد: عوامل مختلفی می‌تواند در این قضیه مؤثر باشد. اولین دلیلی که همواره افراد و اشخاص برای توجیه این موضوع مطرح می‌کنند، بحث تحریم‌های اقتصادی است که به کشور ما تحمیل شده و صادرکنندگان مواد نفتی یا فراورده‌های نفتی و گازی ناچارند برای اینکه بتوانند ارز را به کشور بازگردانند و به‌نوعی تحریم‌ها را دور بزنند، از واسطه‌ها که همین تراستی‌ها هستند، استفاده کنند. او خاطرنشان کرد: اینکه چرا باید چنین وضعیتی باعث رسوب ۹۴ میلیارد یورو شود، خود جای بحث دارد. یکی از عوامل عمده و اساسی آن، سوءمدیریتی است که در این مسیر وجود دارد. به هر تقدیر، هرچند ما در شرایط تحریم و سختی قرار داریم، اما حتی در شرایط جنگی هم اقتصاد سازوکار خاص خود را دارد و اگر تدابیر لازم اندیشیده می‌شد و تضامین لازم در این خصوص از تراستی‌ها اخذ می‌شد، قطعا امروز شاهد حیف‌ومیل بیت‌المال در این سطح و در این حجم نبودیم. دهقان ناصرآبادی خاطرنشان کرد: آنچه مسلم است، تبانی و فساد پشت این قضیه بسیار گسترده است و این موضوع بسیار بو دارد و این وضعیت شاید ناشی از تبانی‌هایی باشد که بین عوامل این موضوع اتفاق افتاده است. اینکه چرا این اتفاق رخ داده، بر عهده دستگاه‌های نظارتی است که این قضیه را رسیدگی و پیگیری کرده و با مرتکبان و متخلفان احتمالی آن برخورد قاطع کنند. او در پاسخ به اینکه چقدر ضرورت دارد علاوه بر تراستی‌ها، افرادی که به این اشخاص اعتماد کرده‌اند هم پاسخ‌گو باشند؟ عنوان کرد: صد درصد باید این موضوع مورد توجه قرار گیرد. وقتی می‌گوییم تبانی صورت گرفته است، بالاخره این تبانی دو طرف دارد؛ یک طرف تراستی‌ها و طرف دیگر عوامل دولتی یا غیردولتی و سازمان‌ها و نهادهای عمومی غیردولتی هستند که با این تراستی‌ها تبانی، رایزنی و همکاری کرده‌اند و این قضیه رقم خورده است. این عضو کمیسیون انرژی تأکید کرد: این فساد، فساد وسیع و گسترده‌ای است که باید به‌طور جدی از سوی نهادهای امنیتی تعقیب و پیگیری و توسط دستگاه قضائی هم رسیدگی شود. او درباره اینکه با توجه به اینکه چندین سال گذشته و این پول‌ها به کشور بازنگشته، تکلیف چیست؟ اظهار کرد: قوانین مجازات اسلامی و سایر قوانین کیفری در این زمینه پیش‌بینی‌های لازم را انجام داده‌اند و براساس قوانین مصوب، قضات رسیدگی‌کننده تصمیم می‌گیرند و در صورت محکومیت مرتکبان، زمینه بازگرداندن این اموال فراهم می‌شود.

«شرق» موضوع درآمدزایی از آبراهه هرمز و واکنش سایر کشورهای منطقه به انسداد این مجرا را بررسی می‌کند

دورنمای هرمز

عکس: امیرحسین خوگرزی، ایسنا

مریم شکرانی: انسداد تنگه هرمز این روزها به یکی از چالش‌برانگیزترین مسائل بازار نفت جهان تبدیل شده است؛ این چالش آن‌قدر بزرگ بوده که محور اصلی مذاکرات ایران و آمریکا به آن گره بخورد. در این میان برخی مدعی‌اند ایران می‌تواند عوارض خیره‌کننده‌ای از تنگه هرمز به دست آورد و ارقامی که برای این ادعا مطرح می‌شود، گاهی با درآمد نفتی کشور برابری می‌کند. اما بررسی دقیق‌تر این دسته از ادعاها نشان می‌دهد فاصله قابل توجهی میان ادعا تا واقعیت درآمدزایی از تنگه هرمز وجود دارد.

اما و اگرهای درآمدزایی از تنگه هرمز

انسداد تنگه هرمز در جنگ خلیج فارس به یکی از بزرگ‌ترین چالش‌های حال حاضر بازار نفت جهان تبدیل شده است. رخدادی که توانست بهای هر بشکه نفت را تا ۱۱۷ دلار برساند و هم‌اکنون در شرایطی که تنگه هرمز همچنان مسدود است، بهای نفت در کانال ۸۰ تا ۹۰ دلار در نوسان است. در این میان برخی مدعی شدند ایران از محل آبراهه هرمز می‌تواند درآمدهای خیره‌کننده‌ای به دست آورد؛ درآمدهای ادعایی که گاه با درآمد نفتی کشور برابر می‌کند. هرچند میزان درآمدهای فعلی از تنگه هرمز شفاف نیست، بررسی دقیق این ادعاها حاوی نکات قابل توجهی است.

درباره درآمدزایی از تنگه هرمز، عبداله باباخانی، کارشناس انرژی، در یادداشتی در صفحه شخصی خود نوشته است بحث درآمدزایی از تنگه هرمز سال‌هاست در فضای عمومی و حتی برخی محافل کارشناسی تکرار می‌شود اما در واقعیت نه‌تنها عدد این درآمد چندان قابل اعتنا نیست، که احتمال خسارات سنگین از این غائله وجود دارد. براساس یادداشتی که این کارشناس انرژی نوشته است، اگر فرض کنیم عوارض عبور از تنگه هرمز مشابه گران‌ترین عوارض آبراهه‌ها یعنی عوارض کانال سوئز باشد که دست‌ساز است و مالکیت خصوصی دارد، درآمد سالانه چیزی حدود ۱۰ تا ۱۲ میلیارد دلار تخمین زده می‌شود، اما این عدد باید بر اساس واقعیت‌های بازار تعدیل شود. یکی از واقعیت‌های مهم تنگه هرمز سهم عبور مصرف‌کنندگان آسیایی مانند چین، هند و پاکستان است که حدود ۴۰ تا ۴۵ درصد سهم کشتی‌های تجاری عبوری از تنگه هرمز را در اختیار دارند. به گفته باباخانی، در بسیاری از سناریوها، این کشورها معاف می‌شوند یا امکان اعمال هزینه بر آنها محدود است. در نتیجه این درآمد به پنج تا شش میلیارد دلار کاهش خواهد یافت. این کارشناس انرژی در ادامه به احتمال دعوای حقوقی بین‌المللی در رابطه با وضع عوارض در تنگه هرمز و متعاقب آن خسارات احتمالی ناشی از آن دعوا تأکید می‌کند.

گذشته از این، کشورهای منطقه در حال ساخت یا توسعه مسیرهایی هستند که تنگه هرمز را دور می‌زند؛ به عنوان مثال عربستان خط لوله شرق به غرب را در اختیار دارد و امارات خط لوله حبشان-فجیره را. علاوه بر این دو مسیر، مسیرهای متعدد دیگری در حال ساخت یا توسعه هستند. بنابراین بخشی از صادرات نفتی و در آینده غیرنفتی به هرمز برنمی‌گردد. همچنین این کارشناس تأکید می‌کند برای پرداخت عوارض گاز مایع از سوی قطر تردید جدی وجود دارد؛ چراکه با توجه به روابط خاص قطر به عنوان بازیگر اصلی LNG، اعمال هزینه‌ها محل تردید است. گذشته از این، درباره برخی کشورها مانند عراق پیچیدگی‌های ژئوپلیتیک وجود دارد یا درباره اعمال تعرفه برای ترکیه امکان دارد این کشور هم اقدام به اعمال تعرفه‌های متقابل به‌ویژه در حوزه ترانزیت یا صادرات کالا به ایران کند. بنابراین درآمد عبوری از تنگه هرمز می‌تواند به دو تا سه میلیارد دلار کاهش پیدا کند که نیمی از آن سهم عمان خواهد بود؛ چراکه تا پیش از این هم در واقع ۹۰ درصد این کشتی‌ها از بخش بین‌المللی عمان می‌گذشتند و فقط تعداد محدودی از بخش بین‌المللی ایران عبور می‌کردند.

صرف نظر از این موارد، عمان بارها اعلام کرده است در محدوده آب‌های خود در تنگه هرمز حاضر به دریافت عوارض نیست و همین مسئله به همراه ریسک بالای عبور از آب‌های ایران می‌تواند انگیزه عبور کشتی‌های تجاری و نفتکش‌ها را از آب‌های ایران تضعیف کند.

در جدیدترین طرحی که گفته می‌شود عمان برای مدیریت تنگه هرمز عرضه کرده است، پیشنهاد شده تنگه هرمز به یک مسیر رفت و برگشت تقسیم شود که مسیر ورود به تنگه هرمز از سمت آب‌های ایران و مسیر خروج از تنگه در سمت آب‌های عمان باشد. در صورت اجرای این تصمیم امکان دارد راه‌های دورزدن مسیر ورود به آب‌های ایران ایجاد شود و کشورهای حاشیه خلیج فارس، محموله‌های تجاری را از مبدأ بنادر خود به سمت مسیر خروجی عمان هدایت کرده و از خارج از تنگه هرمز بار را تحویل کشتی‌های دیگری دهند که قصد ورود به تنگه را داشته‌اند.

مسیرهای دورزدن تنگه هرمز فعال شد

این ملاحظات در شرایطی مطرح می‌شود که در یک بازه زمانی میان‌مدت و بلندمدت، مسیرهای ترانزیتی متعددی برای دورزدن تنگه هرمز تعریف شده است.

نگاهی به آمارهای تولید و صادرات نفت کشورهای حاشیه خلیج فارس نشان می‌دهد انسداد تنگه هرمز صادرات نفت کشورهای این منطقه را به صورت کامل متوقف نکرده است. بر اساس گزارش اوپک، تولید نفت خام تمام اعضای اوپک‌پلاس در ماه مارس به‌طور میانگین ۳۵.۰۶ میلیون بشکه در روز بوده که ۷.۷ میلیون بشکه در روز کمتر از ماه فوریه است. از اعضای اوپک‌پلاس که شامل تولیدکنندگان بزرگ نفت اوپک و متحدان آن است، عربستان، عراق، کویت و عمان در حاشیه خلیج فارس قرار دارند و الجزایر، قزاقستان و روسیه خارج از این محدوده قرار می‌گیرند. پیش از جنگ آمریکا و اسرائیل با ایران، روزانه چیزی حدود ۱۱ تا ۱۶ میلیون بشکه نفت از تنگه هرمز عبور می‌کرد و با انسداد تنگه هرمز و جنگ در خلیج فارس تولید نفت خام اوپک‌پلاس ۷.۷ میلیون بشکه نفت کاهش داشته است. به عبارتی می‌توان گفت انسداد تنگه هرمز چیزی حدود کسری هفت میلیون بشکه در روز در بازار جهان ایجاد کرده است.

در این میان عربستان به عنوان یکی از سه تولیدکننده بزرگ نفت جهان توانسته است حجم قابل توجهی از نفت خود را از طریق خط لوله شرق به غرب صادر کند و نفت خود را بدون نیاز به تنگه هرمز به بندر ینبع در ساحل دریای سرخ برساند. میزان صادرات نفت خام عربستان روزانه حدود ۱۰ میلیون بشکه در روز است که خط لوله شرق به غرب عربستان، ظرفیت انتقال روزانه هفت میلیون بشکه را در روز دارد. بر اساس گزارش رویترز، عربستان به دنبال آن است که در طرحی جدید، ظرفیت این خط لوله را تا حدود دو میلیون بشکه در روز افزایش دهد. بر اساس این گزارش، عربستان همچنین هم‌زمان مذاکرات اولیه‌ای را با برخی کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس از جمله کویت، قطر و بحرین آغاز کرده است تا امکان انتقال بخشی از نفت این کشورها از طریق زیرساخت‌های صادراتی عربستان و بدون عبور از تنگه هرمز بررسی شود.

در امارات هم وضعیت مشابهی وجود دارد. در حال حاضر امارات متحده عربی یک خط لوله ۳۶۰ کیلومتری دارد که میدان نفتی حبشان در ابوظبی را به بندر فجیره در دریای عمان متصل می‌کند و تنگه هرمز را دور می‌زند. ظرفیت این خط لوله در حال حاضر ۱.۸ میلیون بشکه در روز است و امارات به دنبال آن است که ظرفیت صادرات نفت خود را به چهار میلیون بشکه در روز برساند. حالا با انسداد تنگه هرمز، امارات هم به دنبال توسعه ظرفیت انتقال این خط لوله است. در همین زمینه دفتر رسانه‌ای دولت ابوظبی گزارش داد ولیعهد ابوظبی، شیخ خالد آل نهیان در دیدار با مقامات شرکت ملی نفت ابوظبی یا ادونوک، در جریان آخرین تحولات مربوط به پروژه «خط لوله جدید غرب-شرق یک» قرار گرفت. این پروژه قرار است ظرفیت صادرات شرکت ملی نفت ابوظبی (ADNOC) را از طریق امارت فجیره دو برابر کند. انتظار می‌رود این خط لوله تا سال ۲۰۲۷ اجرایی شود. همچنین در حال حاضر ترکیه پروژه‌های متعددی با عراق و قطر و سایر کشورهای حاشیه خلیج فارس تعریف کرده است که بر اساس آن بدون نیاز به تنگه هرمز می‌توان نفت و گاز این کشورها را ترانزیت کرد. در حال حاضر ترکیه با عزم جدی در حال راه‌اندازی کریدور «راه توسعه» عراق است که علاوه بر اینکه کریدور ترانزیتی شمال به جنوب ایران را به حاشیه می‌برد، می‌تواند نفت عراق را بدون نیاز به تنگه هرمز صادر کند. چندی پیش آلپ‌ارسلان بایراکتار، وزیر انرژی ترکیه، در گفت‌وگو با خبرگزاری آنادولو از پیشنهاد ترکیه به عراق خبر داده است که گفته منطقه نفت‌خیز بصره در جنوب عراق را به شمال این کشور متصل می‌کند و عراق می‌تواند بدون نیاز به تنگه هرمز، نفت خود را از شمال این کشور به ترکیه و سپس اروپا صادر کند. خط لوله عراق-ترکیه، نفت کرکوک را به بندر مدیترانه‌ای جیهان در ترکیه منتقل می‌کند. این خط لوله ظرفیتی بیش از ۱.۵ میلیون بشکه در روز دارد و می‌تواند حجم قابل توجهی از نفت عراق را بدون نیاز به خلیج فارس و تنگه هرمز صادر کند. همچنین ایده ساخت یک خط لوله گاز از قطر به ترکیه را دوباره مطرح کرد که از چند کشور از جمله عربستان سعودی، اردن و سوریه گذر می‌کند. به گفته بایراکتار: «بنابراین شما دیگر صادرات LNG ندارید. در حال حاضر هم نمی‌توانید از هرمز گذر کنید. حالا تصور کنید مقداری گاز از راه یک خط لوله به ترکیه و اروپا منتقل شود. ما یک مسیر صادراتی جایگزین برای شما باز می‌کنیم». همچنین تسنیم در اردیبهشت ۱۴۰۵ خبر داد ترکیه قراردادی را با عراق امضا کرده که طی آن دولت بغداد ۲۰ سامانه پدافند هوایی را از ترکیه می‌خرد تا به وسیله آن امنیت میادین نفت و گاز خود را تأمین کند. این قرارداد آنجا معنادارتر می‌شود که بخش قابل توجهی از میادین نفت و گاز عراق در شمال این کشور و در نزدیکی ترکیه قرار دارد و سرمایه‌گذارانی از آمریکا، امارات و اسرائیل در این میادین حضور دارند و به دنبال تأمین پایدار انرژی اروپا از طریق میادین شمالی عراق هستند. این میادین بارها در جریان حملات راکتی ایران به مواضع نیروهای مخالف ایران آسیب دیده‌اند.

همچنین میدل‌ایست‌آی خبر داده است عراق، سوریه و آمریکا قصد دارند خط لوله تاریخی ۵۰۰ مایلی منتهی به سواحل مدیترانه را احیا کنند؛ اقدامی که بخشی از تلاش‌ها برای کاهش نفوذ ایران بر تنگه هرمز است. این خبری است که بنا به توضیحات میدل‌ایست‌آی مقامات ارشد عراقی و منطقه تأیید کرده‌اند و بناست این پروژه هم‌زمان با دیدار علی الزیدی، نخست‌وزیر عراق با دونالد ترامپ در کاخ سفید رونمایی شود. این منابع همچنین توضیح داده‌اند تام باراک، سفیر آمریکا در ترکیه و فرستاده ویژه واشینگتن در امور سوریه و عراق، پیش از سفر الزیدی روی جزئیات این توافق کار کرده است.

گذشته از این، سوریه با همکاری آمریکا طرح ترانزیتی چهار دریا را رونمایی کرده است که مسیری برای جایگزینی تنگه هرمز به شمار می‌آید. هدف این طرح، اتصال چهار پهنه آبی کلیدی یعنی خلیج فارس، دریای مدیترانه، دریای خزر و دریای سیاه از طریق خاک سوریه و ترکیه است. این طرح که با نام «ابتکار کریدور ۹» نیز شناخته می‌شود، به دنبال تبدیل سوریه و ترکیه به یک قطب بزرگ برای انتقال و توزیع انرژی است و تام باراک، فرستاده ویژه آمریکا در امور سوریه، این پروژه را در شورای آتلانتیک به‌طور رسمی مطرح کرد.

مسیرهای جایگزین تنگه هرمز می‌تواند در میان‌مدت و بلندمدت نیاز کشورهای منطقه را به تنگه هرمز به حداقل برساند و مسئله پایداری درآمدزایی از این آبراهه را با چالش جدی مواجه کند.

گزارش

امنیت غذایی در گرو مهار تورم

عاطفه علیان، روزنامه‌نگار: تصمیم اخیر «کارگروه امنیت غذایی و تنظیم بازار کالاهای کشاورزی» برای تعیین قیمت مصوب سه محصول لبنی پرمصرف، بار دیگر یک پرسش اساسی را پیش‌روی اقتصاد ایران قرار داد: آیا می‌توان تورم را با دستور و مصوبه متوقف کرد؟ سال‌هاست در مواجهه با افزایش قیمت کالاهای اساسی، مسیر مشابهی طی می‌شود؛ جلسه‌ای تشکیل می‌شود، کارگروهی مأمور بررسی می‌شود، قیمت جدید اعلام می‌شود و تصور می‌شود مسئله مدیریت شده است. اما تجربه نشان داده که تورم با مصوبه کاهش پیدا نمی‌کند. تورم یک پدیده اقتصادی است که ریشه در ساختار هزینه‌ها، سیاست‌های پولی و مالی، فضای کسب‌وکار، میزان نااطمینانی و شرایط کلان اقتصاد دارد، نه در نبود یک نرخ مصوب. ماجرای لبنیات نمونه روشنی از همین واقعیت است. قیمت شیر، ماست و پنیر از یک عدد روی کاغذ آغاز نمی‌شود؛ پشت هر محصول، زنجیره‌ای از هزینه‌ها قرار دارد. دامدار با افزایش قیمت خوراک دام، دارو، انرژی و تجهیزات مواجه است. کارخانه لبنی با هزینه‌های بالاتر تولید، بسته‌بندی، حمل‌ونقل و تأمین مالی دست و پنجه نرم می‌کند. وقتی تمام اجزای این زنجیره تحت فشار تورمی قرار دارند، نمی‌توان انتظار داشت محصول نهایی از این موج بی‌تأثیر بماند. در چنین شرایطی، کارگروه‌های تنظیم بازار عملا تورم را مهار نمی‌کنند، اما اغلب به محلی برای اعلام رسمی نتیجه تورم تبدیل می‌شوند. به بیان ساده‌تر، اگر قرار باشد هر بار افزایش هزینه‌های تولید به یک جلسه، یک کارگروه و یک قیمت مصوب جدید ختم شود، مسئله حل نشده است؛ فقط فرایند اعلام گرانی رسمی‌تر شده است. پرسش مهم این است که چرا به‌جای پرداختن به علت، همچنان با معلول‌ها برخورد می‌کنیم؟ چرا به‌جای مهار تورم، تلاش می‌کنیم آثار تورم را با دستور کنترل کنیم؟ مشکل اقتصاد ایران کمبود کارگروه و کمیته نیست؛ مشکل، اقتصادی است که سال‌ها با تورم مزمن زندگی کرده و برای هر پیامد آن، ساختاری جدید برای مدیریت ایجاد شده است. در حالی که هیچ اقتصادی با افزایش تعداد جلسات و مصوبات به ثبات نرسیده است. ثبات اقتصادی زمانی شکل می‌گیرد که ریشه‌های تورم اصلاح شود؛ یعنی تولیدکننده بتواند برای آینده برنامه‌ریزی کند، سرمایه‌گذار به فضای اقتصادی اعتماد داشته باشد و خانوارها از قدرت خرید واقعی برخوردار باشند. قیمت‌گذاری دستوری معمولا با ادعای حمایت از مصرف‌کننده انجام می‌شود، اما اگر با اصلاحات اقتصادی همراه نباشد، ممکن است در عمل نتیجه معکوس داشته باشد؛ زیرا تولیدکننده‌ای که نمی‌تواند هزینه‌های خود را پوشش دهد، انگیزه‌ای برای توسعه تولید نخواهد داشت. کاهش سرمایه‌گذاری، افت کیفیت، محدودشدن عرضه و افزایش هزینه‌های پنهان، پیامدهایی است که در نهایت دوباره به مصرف‌کننده بازمی‌گردد. امنیت غذایی نیز دقیقا از همین نقطه اهمیت پیدا می‌کند. امنیت غذایی فقط به معنای وجود کالا در فروشگاه‌ها نیست؛ بلکه به معنای توانایی مردم برای خرید غذای کافی، سالم و باکیفیت است.

گزارش کامل را در سایت شرق بخوانید

سازمان خصوصی سازی
IRANIAN PRIVATIZATION ORGANIZATION

« خلاصه آگهی عرضه عمومی »

نوبت اول

سازمان خصوصی‌سازی در نظر دارد در اجرای مصوبه هیئت واگذاری و سایر قوانین و مقررات مربوطه، سهام و بنگاه متعلق به دولت را به شرح جداول زیر و با رعایت دستورالعمل اجرایی "روش انتخاب مشتریان راهبردی (استراتژیک) و احراز و پایش اهلیت مدیریتی در واگذاری ها" عرضه و واگذار نماید. ضمناً نسخ تکمیلی این آگهی، در پایگاه اینترنتی سازمان خصوصی‌سازی به نشانی www.ipo.ir (بخش آگهی‌های عرضه) در دسترس می‌باشد.

ردیف	نام شرکت	روش عرضه	سهام قابل عرضه				ارزش پایه کل(ریال)	شرایط تسویه ثمن‌معامله			تاریخ برگزاری مزایده
			تعداد سهام بلوکی	* تعداد سهام ترجیحی	تعداد کل سهام	درصد کل		درصد حصه نقدی	تعداد اقساط	فاصله اقساط (ماه)	
۱	فولاد مکران منطقه آزاد چابهار	مزایده	۲،۴۲۰،۶۴۶،۳۸۶	۱۲۷،۴۰۲،۴۴۱	۲،۵۴۸،۰۴۸،۸۲۷	۸ /۴۳	۱۸،۵۰۰،۰۰۰،۰۰۰،۰۰۰	۵۰	۴	۶	۱۴۰۵ /۰۶ /۱۰
۲	فولاد میبد	مزایده	۱۴،۲۵۰،۰۰۰	–	۱۴،۲۵۰،۰۰۰	۴۶ /۱۱۷۲	۱۳،۷۴۶،۳۴۸،۰۰۰،۰۰۰	۵۰	۴	۶	۱۴۰۵ /۰۶ /۱۰
۳	فرهنگی ورزشی استقلال ایران	فرابورس	۳۳۴،۵۲۵،۶۵۰	–	۳۳۴،۵۲۵،۶۵۰	۳ /۱	۳۳۹،۲۰۹،۰۰۹،۱۰۰	کلاً نقد			مطابق اطلاعیه فرابورس

* شرایط و جزئیات نحوه واگذاری سهام ترجیحی از جمله مهلت ارسال درخواست علاوه بر مکاتبه با شرکت، از طریق پایگاه اینترنتی سازمان خصوصی سازی و « سامانه سهام ترجیحی» به اطلاع مشمولین خواهد رسید.

نام بنگاه	روش عرضه	نشانی	مساحت (متر مربع)		ارزش پایه کل (ریال)	شرایط تسویه ثمن‌معامله	تاریخ برگزاری مزایده
			عرصه	اعیان			
جایگاه شرکتی شهر کرج (البرز)	مزایده	کرج ، خیابان مدرس ، روبه روی سینما هجرت	۱۷۸۴ /۶۳	–	۲،۹۷۴،۶۸۰،۰۰۰،۰۰۰	کلاً نقد	۱۴۰۵ /۰۶ /۱۰

م الف ۱۴۷۱ شناسه آگهی ۲۲۴۱۷۵۰